

بررسی تطبیقی چلیپا به عنوان نماد دینی در تمدن‌های ایران باستان، بین‌النهرین، هند و چین

ملیحه کشتگر*

چکیده: نشان چلیپا به لحاظ تاریخی و هنری یکی از نقوش ارزشمندی است که هر چند اصالت آن را به سرزمین ایران نسبت می‌دهند، در بسیاری از نقاط جهان و تمدن‌های باستانی کهن نیز، این نماد مشهود است. گردونه مهر نشانه‌ای است بس کهن که زادگاه و ریشه‌های آن به وضوح مشخص نیست و در اکثر تمدن‌ها و فرهنگ‌های باستانی خود را نمایانده است؛ تصاویری که از این نشان بر روی سفالینه‌ها و آثار دیگر به دست آمده است مورد توجه بسیاری از محققین بوده است. از نظر هنری نیز تکرار نشان چلیپا بر روی آثار متنوعی که از تمدن‌های مورد نظر به دست آمده حائز اهمیت است. در این تحقیق سعی بر آن است تا با بررسی این نشان در آثار به دست آمده از تمدن‌های مورد نظر پیام‌هایی را که چلیپا می‌تواند با خود به همراه داشته باشد، کشف شود. فرض این است که آنها یک برداشت مشترک از چلیپا داشته‌اند و به وسیله آن به یک مقصد می‌رسیدند. این برداشت مشترک، یک رمز است و هدف این مقاله رمزگشایی آن است. این تحقیق از نوع تحلیلی و مقایسه‌ای است و به روش کتابخانه‌ای انجام پذیرفته است. ابزارهای گردآوری اطلاعات تهیه فیش از منابع مکتوب و اینترنت بوده است.

واژگان کلیدی: چلیپا، باورهای دینی، ایران، بین‌النهرین، هند و چین.

مقدمه

یافته‌های نادر باستان‌شناسی می‌توان چنین برداشت کرد که گردونه مهر نمادی مختص ایرانیان باستان بوده و به احتمال قریب به یقین، این نشانواره از نمادهای آیین مهری یا میترایسم بوده است.

آیینی که پیش از ظهور زرتشت در ایران رواج داشته و پس از تولد دین زرتشت نیز همچنان موقعیت خود را حفظ نمود و در دین زرتشتی نیز نفوذ یافت. علاوه بر آن یکی از دلایل آنکه مفهوم گردونه مهر به درستی در متون و لوح‌های باستانی ذکر نشده آن است که آیین مهر، آیینی بسیار راز آمیز بوده و پیروان آن، مفاهیم آیینی را به صورت یک راز به نسل‌های بعدی منتقل می‌کردند. از این رو نه تنها مفهوم گردونه مهر، بلکه بسیاری از آداب و رسوم و باورهای مهری (میترایبی) نیز، در پرده‌ای از ابهام نهفته است و معدود اطلاعاتی که امروزه در دست است از تفسیر تصاویر به جای مانده بر مهرابه‌های میترایبی^۲ و مختصر متون قدیمی به جای مانده استخراج شده است. مهرپرستی یا آیین مهر یا میترایسم از دین‌های باستانی ایرانیان بود که بر پایه ایزد ایرانی مهر و دیگر ایزدان ایرانی بنیاد شده بود. بسیاری از صاحب‌نظران بر این باورند که

چلیپا شکلی با شاخه‌های ۹۰ درجه به سمت راست یا چپ است که در ایران باستان چنین نشانه‌ای را گردونه مهر یا گردونه خورشید می‌گفت‌اند. گردونه مهر در تمام هنرها و طراحی‌های تاریخ بشری پدیدار می‌باشد، نشان بسیاری از چیزها، همچون خوش اقبالی و خورشید، بود. نشان گردونه مهر جزئی از میراث فرهنگی اقوام آریایی است که از هزاران سال پیش به کار می‌رفته است و نشانه‌هایی از آن در ایران پیدا شده است. در آیین مهر^۱ این نشان را گردونه مهر می‌نامند که چهار پره آن آمیزش چهار عنصر اصلی آب، باد، خاک، آتش را می‌رساند. اگر این نشان را حول محور خود بچرخانیم ایجاد چرخ می‌کند از این جهت آن را چرخ زندگی یا گردونه مهر می‌گویند. برخی دیگر آن را ساده شده شکل خورشید و درخشش پرتوهای آن می‌دانند. گردونه مهر یا گردونه خورشید که به چلیپای شکسته نیز مشهور است، نماد و نشانواره بسیار کهنسالی است که آن را به قوم آریا و سرزمین ایران نسبت می‌دهند، هرچند که یافته‌های باستان‌شناسی در زمینه پیشینه گردونه مهر بسیار اندک و تفسیر پیرامون آن بسیار دشوار است، اما از همین

* دانشجوی کارشناسی ارشد پژوهش هنر، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه سیستان و بلوچستان. Malihe.keshtgar@yahoo.com

منشاء این نشانواره نزد قوم آریا بوده، قومی که بیشتر در قسمت های غربی ایران سکنی گزیده بودند و تمدن های شگفت آوری را موجب شدند. هر چند اصالت آن را به سرزمین ایران نسبت می دهند، در بسیاری از نقاط جهان و در بسیاری از تمدن های باستانی کهن نیز، این نماد مشهود است. تصاویری که از این نشان بر روی سفالینه ها و آثار دیگر به دست آمده است، مورد توجه بسیاری از محققان بوده است.

◆ مفهوم چلیپا در تمدن های باستان

پیش از ظهور زرتشت، آریائی، مهرپرستی را به عنوان دین خود انتخاب کرده بودند. در این آئین ارزش زیادی برای خورشید قائل بودند و آثاری از پرستش خورشید در نمادی مانند چلیپا ظاهر شد.

لودویک مولر معتقد است، آریایی ها این علامت را که نماد خورشید است، حتی قبل از پراکندگی تاریخی شان به کار برده اند و دلیل گسترش همگانی آن در کشورهایی که اقوام هند و اروپایی اقامت گزیده اند، همین است؛ پس خاستگاه آن به مقر اولیه آریایی ها بر می گردد (ذاکرین، ۱۳۹۰، ۲۶). صلیب یا چلیپا اصلاً واژه ای آرامی است و یکی از مقدس ترین نمادهای کیش مسیحیت است، که به شکل دو خط متقاطع و معمولاً عمود بر هم می باشد. حقیقت این است که صلیب پیشینه ای بسیار کهن تر از مسیحیت دارد و به دوره های ابتدای زندگی بشر مربوط می شود.

مطالعات باستان شناسی این حقیقت را اثبات می کند که در جوامع آغازین، مردم به چلیپا چون مظهر آتش احترام می گذاشتند، علت آن این بود که، دو چوب به شکل متقاطع روی هم گذاشته می سایدند و آتش می افروختند (یاحقی، ۱۳۷۵، ۲۸۷). گروهی معتقدند که این نماد، آریایی است و به سرزمین های دیگر راه یافته است، گرچه ماخذ واقعی و اصلی پیدایش چلیپا معلوم نیست ولی مفاهیم گوناگونی را در بر گرفته است. مثلاً در کیش های کهن آن را گرداننده جهان هستی و طبیعت می دانستند و در زندگی و مرگ انسان ها پایگاهی والا داشت، همین طور چلیپا نماد فراوانی و دارای بار مغناطیسی مثبت (دریافت رحمت و برکت) می باشد که بدین گونه با زندگی بشر پیوند داشته است و کسانی که آن را به همراه داشتند، احساس آرامش می کردند و جنبه ای سحرآمیز و طلسم مانند، برای آنها داشته و از پریشانی ها و هراس هایشان می کاسته است. روی هم رفته چلیپا دارای نمادهای بسیار و برداشت های مختلفی به غیر از موارد گفته شده از جمله چهار کیفیت طبیعت: گرمی،

سردی رطوبت و خشکی، همچنین نماد پیدایش و گردش چهار فصل، حالت چهارگانه ماه، چرخ هستی و آفرینش، تندر و آذرخش، زمان بیکران، بی آغاز و انجام، چرخه تولید نسل و پیوستگی زندگی و حرکت می باشد. حرکت آب، چهارسوی گیتی، نماد پیروزی و جاودانگی، باروری و افزایش، عشق و مهر، دورکننده چشم زخم و اهریمن، نماد مهر و مهرپرستی، نمایانگر کثرت و رسیدن به وحدت و بازگشت به آفریننده، صلح و سازش، زندگانی دراز، نماد پیوند نرینه و مادینه (چلیپای راست گرد مظهر مرد و کهکشان، چپ گرد مظهر زن و زمین)، فرخندگی بخت بلند، در خواست آمرزش، شاهین، فروهر، مظهر قدرت سیاسی و مذهبی، نماد الوهیت آریاها است.

چلیپا با نمادهای خورشیدی و زاینده همراه است، مانند شیر، قوچ، اسب، گوزن و درخت سدر. چلیپا در تمامی شرایط، سمبل خوش شانسی، اتفاق خوب، آرزوهای خوب، برکت، طول عمر، باروری و حاصل خیزی، سلامت و زندگی می باشد و سرشار از ارزش های پنداری رازآمیز و آسمانی بوده است. گورهای بسیاری از دوره های پیش از تاریخ و در زمان مهرپرستی دیده شده که رو به تابش آفتاب دارد و این نشانه درخواست پشتیبانی و آمرزش از خدای آسمان می باشد (ذاکرین، ۱۳۹۰، ۲۶). استفاده مکرر از چلیپا در طول تاریخ، در تمدن های مختلف، این مطلب را روشن می سازد که احترام به آن، در این تمدن ها وجود داشته است و این نقش دارای پیشینه ای آئینی و مرتبط با باورهای قومی هر تمدن می باشد و هرچه بیشتر ما را به این حقیقت نزدیک می کند که این نشان، به عنوان نماد دینی و آئینی به کار رفته است. بر اساس مطالعه و پژوهش انجام شده، در ادامه با ارائه نمونه های تصویری، به بررسی جایگاه این نقش، در تمدن های ایران باستان، بین النهرین و هند و چین پرداخته می شود تا روند استفاده از این نقش و مفاهیم مرتبط با آن در تمدن های مورد نظر، آشکار گردد.

◆ چلیپا در ایران باستان

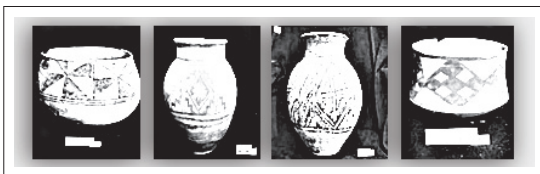
نماد چلیپا در شوش

نماد چلیپا به اینگونه (卐)، نخستین بار در سرزمین خوزستان یافت شده و زمان آن نیز به پنج هزار سال پیش از میلاد می رسد و آشکار می سازد که ریشه ای کهن در ایران زمین دارد. در شوش سفال پاره هایی کشف شده است که دارای بز کوهی است. درون خمیدگی شاخ بز نشانه چلیپای شکسته دیده می شود. این سفال ها مربوط به هزاره چهارم پیش از میلاد می باشد.



تصویر ۳: نمونه‌ای از مهرهای شهر سوخته با نقش چلیپا. مأخذ: سجادی، ۱۳۸۹

نقش هندسی یکی از نقش‌مایه‌هایی است که بعضاً به صورت نقش اصلی در کنار و یا در داخل ظروف سفالین آمده و با خطوط موازی اطراف آنها محدود شده است؛ اما گاهی نیز به صورت نقش فرعی برای تزئین نقوش اصلی، در اکثر سفالها با فرمهای متنوع دیده می‌شود. سفالگران شهر سوخته، از این نقش مایه به طور گسترده‌ای در زینت سفال‌ها استفاده کرده‌اند. آنان این نقش‌مایه را به فرمهای متنوع (چلیپای کامل، نیمه چلیپا)، در تزئین بدنه و لبه سفال‌ها به کار بردند (حسین آبادی، ۱۳۹۰، ۶۳).



تصویر ۴: نمونه‌ای سفالینه‌های شهر سوخته با نقش چلیپا. مأخذ: حسین آبادی، ۱۳۹۰

◆ نماد چلیپا در تل باکون

در مجتمع مسکونی تل باکون، کاربرد صلیب در تزئینات، به وفور دیده می‌شود. مشخصه بارز هنر سفالگری در تل باکون این است که، نماد صلیب، از جمله اضافات تصادفی، در میان طرحی شلوغ نیست، بلکه مضمون اصلی و غالب آن است. صلیب‌های تل باکون آزاد و بی حاشیه، یا این که در دایره‌ای محصورند (هرتسفلد، ۱۳۸۱، ۲۱).



تصویر ۵: نمونه: نقوش چلیپا بر روی سفالینه‌های تل باکون. مأخذ: واندنبرگ، ۱۳۴۵



تصویر ۱: پیکره بز کوهی و چلیپا. مأخذ: واندنبرگ، ۱۳۴۵

تیره‌های بسیاری از مردمان در زمان باستان و در سرزمین‌های گوناگون خود را وابسته به جانوری می‌دانستند و او را ستایش می‌کردند و پیکره‌اش را نماد خود می‌ساختند و از اینجا توت‌م پرستی^۳ پدیدار شده است.

یکی از این جانوران بز کوهی و گاو است، که نماد سودبخش و سود رسان طبیعت به شمار می‌آمده و گرمی بوده است. نگاره بزکوهی، گاو و شاخ، بر سفالینه‌های بازمانده از سده‌های پیش از میلاد فراوان دیده می‌شود و گویای پیوندی است که مردم باستانی، میان هلال ماه و گوی خورشید و شاخ می‌شناخته‌اند. ماه و خورشید در زندگانی کشاورزی ارزشمند و در زمینه دامداری سودمند می‌باشند. زندگانی کشاورزی بدون زمین و دام و شرایط مناسب آب و هوایی ممکن نیست.

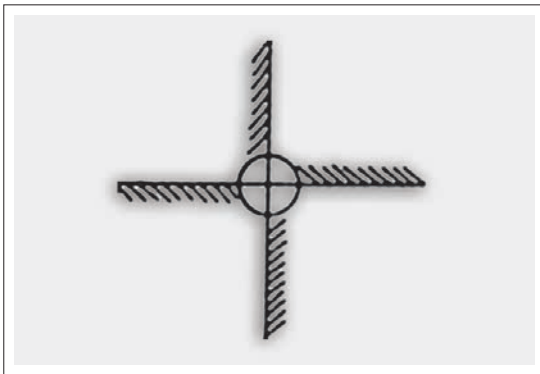
در بسیاری از سفال‌ها در میان شاخ گاو و نیز بر پشت بز نگاره‌ی چلیپا و چلیپای شکسته، یا ماه و خورشید دیده می‌شود (بختورتاش، ۱۳۸۶، ۱۵۰-۱۴۸).



تصویر ۲: چلیپا در میان کمان شاخ. مأخذ: بختورتاش، ۱۳۸۶

◆ نماد چلیپا در شهر سوخته

مهرهای به دست آمده از شهر سوخته، مسطح و از جنس مفرغ، سنگ صابون، سنگ مرمر، استخوان و سنگ لاجورد ساخته شده‌اند. بیشتر اثر مهرها، نشان از شکل‌های هندسی دارند که چهارگوش، صلیبی و در مواردی تصویری از یک پرنده بوده‌اند (سجادی، ۱۳۸۹، ۲۱). نقش چلیپا بر روی مهرها، به عنوان نمادی از خورشید به کار رفته است.



تصویر ۸: نمونه نقوش چلیپا بر روی سفالینه سیلک، مأخذ: واندنبرگ، ۱۳۴۵

بر روی ظرف سفالینی مربوط به ۳۱۰۰ سال پیش از میلاد که در سیلک به دست آمده است، پیکره چلیپا در درون خمیدگی شاخ گوزن دیده می شود و نشان می دهد که بز و بز کوهی و شاخ در زندگی مردمان گذشته نقشی بزرگ و نمادین داشته است.



تصویر ۹: آوند سیلک با چلیپا، مأخذ: بختورتاش، ۱۳۸۶

در گورستانی از سیلک ابزارهای زینتی سیمین و نیز جنگ افزارهایی مفرغین و آهنین یافت شده است. در میان این ابزارها، نگاره چلیپا همان گونه که بر سفالینه ها بوده است، دیده می شود. یکی از این ابزارها دایره ای است که چلیپایی را در برگرفته است. در پیرامون این دایره، کنده کاری هایی نیز مشاهده می شود (بختورتاش، ۱۳۸۶، ۱۶۹-۱۶۶).



تصویر ۱۰: چلیپا بر ابزار به دست آمده از گورستان سیلک، مأخذ: گیرشمن، ۱۳۶۴

نقش چلیپا بر روی بعضی از ظروف تل باکون بسیار شبیه به سوسوی ستارگان در شب، در آسمانی صاف و بی ابر است و شاید اشاره به این دارد که مردم آن زمان، آسمان را که جایگاه ستارگان روشن بوده است، به خدایی برگزیدند و آن را می پرستیدند و نقوش چلیپا را که یادآور ستارگان بود، به عنوان نشانه ای آئینی بر روی سفال می کشیدند (قائم، ۱۳۸۹، ۳۴).



تصویر ۶: چلیپا یادآور ستارگان، مأخذ: هرتسفلد، ۱۳۸۱

بر روی یکی از سفالینه های به دست آمده از این منطقه، مربع شطرنجی دیده می شود که به چهارگوشه آن، چهار آویزه، که مثل پر یا نیمی از برگ درخت خرما می نماید، وصل شده و آشکار است که در وضعیت گردش و چرخش اند (هرتسفلد، ۱۳۸۱، ۲۲).



تصویر ۷: مأخذ: همان

◆ چلیپا در سیلک

این نشان را در تپه سیلک کاشان، یکی از شاخص ترین تپه های پیش از تاریخ ایران بر روی ظروف سفالی می توان دید. بر روی یکی از سفالینه های کشف شده از این مکان، نگاره چلیپا بر دایره ای نهاده شده است. بازوهای آن در جهت وارونه حرکت ساعت بوده است و چنان می نمایند که جهت چرخش را نشان می دهد.

◆ چلیپا در زمان هخامنشیان

در زمان هخامنشیان، مهر، دوباره در لباس بغان پدیدار می‌شود و شاهان به او سوگند می‌خورند؛ از او می‌خواهند که پشتیبان کارهایشان باشد. از او می‌خواهند هرچه کرده‌اند، همراه با اهورا مزدا و آنهیتا، از گزند و ویرانی دشمنان مصون دارد (فانم، ۱۳۸۹، ۳۸). هرگاه توجهی به اجتماع و اخلاق عصر هخامنشی بیفکنیم، متوجه می‌شویم که به چه جهت مهر، دگرباره تجدید حیات کرد. مهر مظهر پیمان، دوستی و مودت و شجاعت و قهرمانی، راستی و استواری، توانایی و پهلوانی بود و شاهنشاهان هخامنشی و مردم آن زمان، به چنین خدا یا ایزد نگهبانی احتیاج داشتند. ایزدی که دسته‌های به هم آمده و انبوه سپاهیان را که در اکثریتی قابل توجه بودند، حفظ کند (رضی، ۱۳۷۱، ۷۴). نقش رستم، آرامگاه شاهان هخامنشی، نمایی به شکل چلیپا دارد. محل تقاطع دو بازوی چلیپا، محل ورود به درون مقبره است؛ پس مرکز چلیپا نقطه‌ای بسیار مهم در شکل‌گیری فضای چلیپاگونه بوده است.

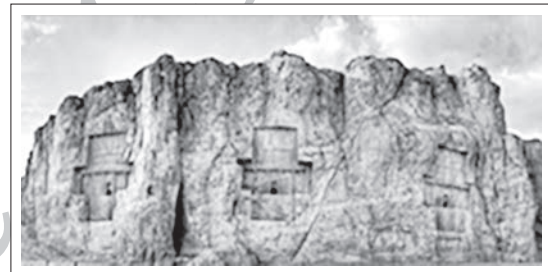
این نشانواره بر دهانه پاره‌ای از خمره‌های سفالین که مرده‌ها را در آن می‌نهادند، دیده می‌شود. چگونگی این خمره‌ها در گورستان نشان می‌دهد که آنها را به شیوه‌ای در دامنه تپه‌ها و کوه‌ها در خاک می‌گذارند. که در نزدیکی این برجستگی‌ها، رودخانه‌ای روان بوده یا چشمه‌ای می‌جوشیده است و دهانه خمره‌ها نیز رو به خورشید دارد. این خود می‌رساند که این مردمان پیرو کیش مهری بوده‌اند. زیرا کیش مهری به آب و پاکیزگی اهمیت زیادی می‌داده است (بختورتاش، ۱۳۸۶، ۱۷۸).

در چند نمونه از قبور دوره اشکانی، اشیایی که گردونه خورشید بر روی آنها نقش شده، به دست آمده که اهمیت این نقش را که از قدیمی‌ترین اعصار باستانی بدان وجه تقدس داده شده، نشان می‌دهد (ذاکرین، ۱۳۹۰، ۲۹).



تصویر ۱۲: پارچه به دست آمده از قبور اشکانی با نقش چلیپا، مأخذ:

<http://gardoonehmehr.bravehost.com/swastika.htm>



تصویر ۱۱: آرامگاه شاهان هخامنشی، نقش رستم، مأخذ: <http://fa.wikipedia.org>

◆ چلیپا در زمان ساسانیان

در زمان ساسانیان، چلیپا به عنوان نمادی اصلی، در تزئینات گچبری کاخ‌ها به کار برده می‌شد. از جمله در طاقچه‌های ویرانه کاخ چلیپاگونه ساسانی در بیشاپور، گچبری‌هایی با نگاره چلیپا و چلیپای شکسته دیده می‌شود (تصویر ۱۴ - الف). در ویرانه‌های «قلعه یزدگرد» در کنار مرز کنونی ایران و عراق در نزدیکی قصر شیرین، گچبری‌های زیبایی به دست آمده است که نگاره چلیپا و چلیپای شکسته همراه گل نیلوفر آبی، برگ مو و خوشه انگور، در میان آنها دیده می‌شود (تصویر - ۱۴ ب). همچنین در تزئینات گچبری شده در کاخ تیسفون نیز، نقش چلیپا دیده می‌شود (بختورتاش، ۱۳۸۶، ۱۸۵ - ۱۸۲) تصویر ۱۴ - ج.



تصویر ۱۴ الف: طاقچه گچبری شده با چلیپا



تصویر ۱۲: کاسه سفالی، گرمی، آذربایجان، موزه ملی ایران، شماره ۱۹۱۱۶



تصویر ۱۶: چلیپا از پیکر زنان، مأخذ: همان

بر کوزه‌های گلینی که از سامره به دست آمده است و مربوط به چهار تا سه هزار و پانصد سال پیش از میلاد می‌باشد، گردش چرخوار پرندگان در چلیپای شکسته چپ گرد و راست گرد، دیده می‌شود. پرواز این پرندگان به شکل چرخ و چلیپا، افزون بر نشان دادن گرایش انسان به پرواز، گویای این اندیشه فلسفی باستانی است که هوا «ماده المود» و عنصر پایه و پدیدآورنده آخشیج های دیگر است (بختورتاش، ۱۳۸۶، ۵۹).



تصویر ۱۷: نمودار پرندگان (سامره)، مأخذ: بختورتاش، ۱۳۸۶

آشور

آشور خدای کشور آشور که آشوریان خود را از تبار او می‌دانند، نخست نام خود را به شهری داد و پس از آن همه کشور را به نام وی خواندند. آشور خدای آفتاب نیز بود و آشوریان از سوی خدای آشور دستور داشتند هر که او را نمی‌پرستد به اطاعت و اسارت در آورند. شمش نماد خورشید و بخشاینده زندگی بود؛ بر این پایه، آشوریان، چلیپا را نماد خورشید و آفتاب می‌دانستند. در پیکره شمشی اداد، پادشاه آشور، می‌بینیم که چلیپا را با ریسمانی به گردن آویخته است (قائم، ۱۳۸۹، ۳۸). شاهان آشور این نشان را به عنوان نماد نیروهای دینی و سیاسی به گردن می‌آویختند (یاحق، ۱۳۷۵، ۲۸۷).



تصویر ۱۴: کچبری در قلعه بزدگرد با نگاره چلیپای شکسته



تصویر ۱۴ ج: نقش چلیپا در فاصله میان کل و برگ، کاخ تیسفون، مأخذ: بختورتاش، ۱۳۸۶

چلیپا در بین النهرین

سومر

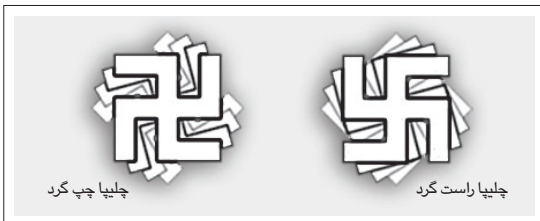
بر روی نمونه‌ای از سفال سامره، با آرایش زیبا و دلنشین، مرغان آبی را در حال ماهی گرفتن، با حرکت چرخشی صلیب گونه تصویر نموده‌اند (مرتسفلد، ۱۳۸۱، ۵۸). این تصویر نشان‌دهنده این است که هستی و آفرینش از آب سرچشمه گرفته است.



تصویر ۱۵: چرخش مرغان دریایی برگرد چلیپایی شکسته، مأخذ: <http://en.wikipedia.org/wiki/SwZrugkZ>

در نمونه‌های دیگر، چلیپای شکسته از پیکره برهنه چهار زن اندام گرفته و چگونگی گیسوان آنها نشان می‌دهد که از سمت راست به چپ در گردش‌اند. در دست‌های هریک از زنان، چلیپایی است که شناسه باروری و چرخش زادمانی می‌باشد. این پیکره بر سفالینه‌های سومری که سامی نژاد نیستند و گمان می‌رود تباری آریایی داشته‌اند از هزاره پنجم پیش از میلاد به دست آمده است.

معانی متفاوتی دارند. چلیپای چپ گرد، نشانه ناشادی و ناخجستگی است؛ اما چلیپای راست گرد، به معنای خوشی و افزونی و فرخندگی است (فانم، ۱۳۸۹، ۳۹).



تصویر ۲۱ مآخذ: <http://en.wikipedia.org/wiki/SwZrugkZ>

پیروان کیش جین^۴ (jain)، چلیپا را به گونه‌ی زیر و با رنگ زربین می‌کشند و آن را نماد فراوانی می‌دانند؛ همچنین هریک از خانه‌ها را مظهر زمین، طلا، نقره و غلات به شمار می‌آورند (بختورتاش، ۱۳۸۶، ۱۰۲).



تصویر ۲۲: چلیپای کیش جین، مآخذ: همان

سواستیکا را مردم دره سند می‌شناختند و بعدها آن را با ویشنو^۵ و شیوا^۶ مربوط دانستند. این نماد در تندیس‌های معابد آئین جین و مربوط به سده‌های دوم تا اول پیش از میلاد، دیده می‌شود و خاص سوپارشوا است که یکی از بیست و چهار معلم بنیان‌گذار این فرقه به شمار می‌رود (هال، ۱۳۸۰، ۵). در هندوستان چلیپای شکسته را بر اندام انسان، جانوران و چیزهای دیگر نقش می‌کنند که با نگرش به جهت حرکت آن: خوبی، خجستگی و برکت و یا کم یابی، زیانمندی و پلیدی و ناخجستگی را می‌رساند. چلیپا نماد خورشید هندوها است و نشانه‌ای است از بخشش و برکت و گویای آن است که «پیچ و خم زندگی ممکن است گمراه کننده باشد، اما راه نور از میان آن می‌گذرد». بر دیواره بسیاری از پرستشگاه‌های هند این نگاره به کار رفته است. یکی از این پرستشگاه‌ها، نیایشگاه لاکش می‌ناریان، خداوند ثروت در شهر دهلی است که برستون آن نگاره چلیپا نقش گردیده است (بختورتاش، ۱۳۸۶، ۹۶).



تصویر ۱۸: چلیپا برگردن شمشی اداد، مآخذ: <http://en.wikipedia.org>

در بابل و نیز بر پیکره‌هایی که از زمان حمورابی برجای مانده، نگاره چلیپا دیده می‌شود.



تصویر ۱۹: فرمانروای بابل در برابر نماد خورشید، خدای آسمان، مآخذ: <http://gardoonehmehr.bravehost.com/swastika.it>

در نگاره زیر گردنبندی که ویژه آشور نصیرپال می‌باشد، دیده می‌شود. در این گردنبند همه نمادهای آشوری: مظهر رعد و برق، ماه و خدای زراعت و آبیاری، چلیپا، خدای عشق، زندگانی و جنگ و خداوند خرد یافت می‌شود (بختورتاش، ۱۳۸۶، ۸۵).



تصویر ۲۰: گردنبند با نمادهای مقدس آشور بر گردن آشور نصیرپال دوم، مآخذ: بختورتاش، ۱۳۸۶

◆ چلیپا در هند

در هند چلیپا را سواستیکا می‌نامند. سواستیکا، از دو بخش "سو" به معنی زیبا و خوب و فرخنده و "استی" به معنی هستی، تشکیل شده است و در مجموع به معنای هستی نیک است. این نماد دو گونه راست گرد و چپ گرد دارد که

در نوشته‌هایی که به زبان چینی روی یادمان «هسیان فو» کنده شده است، چلیپا همچون نشانی از چهارگوشه جهان نموده شده که نماد هو آشتی یا آشتی بزرگ و برادری و یگانگی میان همه ی جهانیان است. بالای سنگ هسیان فو چلیپا روی گل نیلوفر گذاشته شده و رشته ی مروارید دور آن دیده می شود. این سه نماد برجسته ی مهری روی این یادمان آمده است (مقدم، ۱۳۸۸، ۴۷).



تصویر ۲۳: نیایشگاه لاکش می نارایان، چلیپا پرستون سمت چپ ماخذ: بختورتاش، ۱۳۸۶

بر دیوارهٔ معبد گانشا نیز این نشانه در دوطرف پیکره بودا نقش شده است.



تصویر ۲۶: چلیپا بر یادمان هسیان فو، ماخذ: مقدم، ۱۳۸۸

در کشور چین و گسترهٔ فرهنگی آن آخشیح‌های سه گانه زمین، انسان، آسمان چنین نموده شده است: انسان که روی زمین و زیر آسمان زندگی می کند و گردش زندگانی را هم چنان ادامه می دهد، به شکل چلیپا و زمین و آسمان به گونه ی خطی کمائی وارونه هم نقش شده است (بختورتاش، ۱۳۸۶، ۱۴۶).



تصویر ۲۴: معبد گانشا، ماخذ: www.lumq.comIndia/ Ganesha Temple.

◆ چلیپا در چین

در چین سو استیکا در آغاز، یک علامت تائویی^۷ بود و آن در دست لائوتسه^۸، موسس دین تائویی و دیگر جاودانان تائویی دیده می شود که نماد نیروی خدایی آنان بود (هال، ۱۳۸۰، ۶). سواستیکا برای نشان دادن نیروی یانگ و بین^۹ به کار می رود. یانگ، مظهر تکاپو و گرما و کهکشان و بین، مظهر زیبایی زنانه و آرامش و زمین است. چینی‌ها هرچه را در زمین و آسمان روی می دهد، به این دو منسوب می کنند (قائم، ۱۳۸۹، ۴۰).



تصویر ۲۷: آخشیح‌های سه گانه چین، ماخذ: بختورتاش، ۱۳۸۶

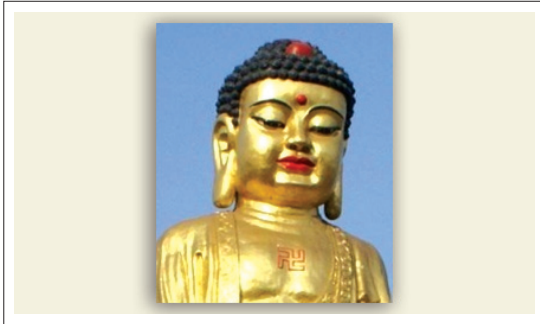
◆ چلیپا در آئین بودا

سواستیکا، یکی از علائم خوشبختی، بر روی پای بودا بود. این نشان احتمالاً از طریق آئین بودایی به ژاپن راه یافت و بر روی تصویرهای بی شمار چینی و ژاپنی دیده می شود (هال، ۱۳۸۰، ۶). عموماً چهار چلیپای شکسته بر روی چهار انگشت پا ترسیم شده و گاهی بر روی هر پنج انگشت، مشهود است. در نگاره‌های کف پا، علاوه بر نقش چلیپای شکسته، دیگر نشان‌ها، رمزها و سمبل‌های آئین بودا نیز مشهود است که هر یک در جایگاه خود، مفاهیم و معانی بسیار عمیق را در بر دارند.



تصویر ۲۵: نماد بین و یانگ، ماخذ: <http://en.wikipedia.org/wiki/Swastika>

ترسیم می شود و به مهر دل بودا مشهور است (فرح بخش، ۱۳۸۷، ۶۶).



تصویر ۲۹: چلیپا روی سینه بودا، مأخذ: www.Lumq.com



تصویر ۲۸: چلیپای شکسته بر کف پای بودا.

مأخذ: <http://gardoonehmehr.bravehost.com/swastika.ht>

چلیپای شکسته نمادی است از قلب بودا، به همین علت در تمثال ها، نشان چلیپا بر روی سینه ی برهنة بودا

جدول بررسی تطبیقی چلیپا در ایران باستان، بین النهرین، هند و چین

ردیف	کشور	مظهر	تصویر
۱	ایران باستان	پیمان، دوستی، خوش اقبالی، خورشید، چهار عنصر اصلی آب، باد، خاک، آتش	
۲	سامی ها	الهه آب، نیروی باروری زنان، پرواز	
۳	آشور	خورشید و بخشاینده ی زندگی، نماد قدرت مذهبی و سیاسی	
۴	هندوها	چلیپا راست گرد: نماد خورشید، روشنایی، خوشی، بهار و تابستان	
		چلیپا چپ گرد: نماد تاریکی، شب، وحشت، جادو، پاییز و زمستان	
۵	کیش جین	نماد فراوانی، نیروی الهی، خالق آسمان، زمین، طلا، نقره و غلات	
۶	چینی ها	راست گرد معرف یانگ	
		چپ گرد معرف یین	
۷	بودائیان	قلب بودا، مهر دل بودا	

◆ نتیجه‌گیری

نماد چلیپا از جمله نشانه‌های کهن سرزمین ایران و از رایج‌ترین نقوش به کار رفته بر روی مهرها و سفالینه‌ها است. از معانی نمادین این نقش می‌توان خورشید، ستارگان و آسمان را نام برد. این نشان، ارتباط پیوسته‌ای با آیین مهری دارد و آن را به قوم آریا و سرزمین ایران نسبت می‌دهند؛ از طرفی، در تمدن‌های باستانی دیگر، از جمله بین‌النهرین، هند و چین نیز با مفاهیمی مشابه دیده می‌شود. با بررسی تمدن‌های مورد نظر و تطبیق نمونه‌ها، به این نکته پی می‌بریم که چلیپا نمادی جهانی است و استفاده‌ی مکرر از آن در طول تاریخ، در تمدن‌های مختلف، این مطلب را روشن می‌سازد که احترام به آن، در این تمدن‌ها وجود داشته است و این نقش دارای پیشینه‌ای آئینی و مرتبط با باورهای قومی هر تمدن می‌باشد. آنچه نزدیک به یقین می‌توان از آن سخن گفت، این است که چلیپا نمادی از نیروهای ماورای طبیعی است و استفاده از آن نشان می‌دهد که چلیپا به عنوان نماد دینی و آئینی به‌کاررفته است و ارتباط معنوی در استفاده از وجود داشته است؛ در طول تاریخ با شکل‌گیری آئین‌ها و سنت‌های جدید در این تمدن‌ها، نقش آن به هیچ وجه کم‌رنگ نشده و با همان ارزش، به حیات خود ادامه داده است.

◆ پی‌نوشت‌ها

- آئینی راز آمیز بود که بر پایه پرستش مهر (میترا)، ایزد ایران باستان و خدای خورشید، عدالت، پیمان و جنگ، در دوران پیش از آیین زرتشت بنیان نهاده شد.
- به پرستشگاه‌های مهرپرستان، مهرابه گفته می‌شود. که از دو واژه «مهر» و «آبه» ساخته شده است. آبه، به معنی جای گود است.
- اجسامی نمادین هستند که در اقوام بومی بیشتر قاره‌ها کاربردهای آئینی دارند. توتم معمولاً به عنوان یادمانی از نیاکان یک ایل یا طایفه عمل می‌کند و افراد طایفه، توتم را دارای نیرویی برای حمایت و حفاظت از طایفه می‌دانند.
- نام آئینی، در میان هندوها است که پیشینه آن به سده ششم پیش از میلاد می‌رسد. پیروان این آئین، به زندگی دنیا بدبین هستند و معتقدند تنها چاره‌ی گریز از این تنگنای هستی، برگزیدن راه آزادی و نجات است که به وسیله‌ی معرفت به دست می‌آید.
- دومین خدا از تثلیث خدایان هندو، حافظ جهان و گرداننده‌ی کائنات است. در وداها یک خدای فرعی مطرح شده است، اما در طول زمان، به خدایی خیرخواه و پاسخگو به نیایش‌های پیروانش تبدیل می‌شود. ویشنو غالباً بر فراز گل نیلوفر آبی تجسم می‌یافت.
- در هندوئیسم، خدای انهدام و احیای بعد از آن است و وجوه متعدد دارد؛ به طور خلاصه: صورت اکرام و احسان، فانی کننده، قلندر و دوره گرد، سلطان رقص و شهریار بزرگ. او را غالباً در هیئت مردی متفکر، نشسته بر روی پوست ببر مجسم کرده‌اند؛ گاه چشم سومی بر پیشانی و هلالی بر سر دارد.
- تائو Tao، به معنی راه، خدا، خرد و منطق است. آئینی که در قرن

پنجم یا ششم قبل از میلاد، در چین پایه گذاری شد و آزادی خواه بوده و بر پایه رفتار نیک، بنیان نهاده شده است. این دین معطوف به رستگاری، سکوت و انزوا بود. کسی که از آیین تائو پیروی می‌کند، مبنای باور خود را بر وحدت وجود قرار می‌دهد و با دوری از سخنان و ظواهر مادی و اصرار بر سکوت، سعی در مکاشفه قلبی، برای رسیدن به اصل تائو دارد.

۸- لاوتوسه، با نام اصلی «لی اره»، معروف به «استاد کهن» یا «پیر استاد» بوده است. او به احتمال زیاد، اولین فیلسوف مشهور چینی در زمان سلسله چو می‌باشد. «لاوتوسه» در قرن پنجم یا ششم قبل از میلاد، «آیین تائو» را پایه گذاری کرد.

۹- یین و یانگ، مفهومی است در نگرش چینیان باستان به نظام جهان و شکل ساده شده‌ی آن از مفهوم یگانگی متضادها است و نشان دهنده‌ی قطب‌های مخالف و تضادهای جهان.

◆ فهرست منابع

- ۱- بختورتاش، نصرت‌الله، نشان راز آمیز گردونه خورشید یا گردونه مهر، تهران، انتشارات آرتامیس، ۱۳۸۶.
- ۲- حسین آبادی، زهرا، فلاح مهنه، مهدی، بررسی تطبیقی نقوش فرش سیستان با نقوش سفالینه‌های شهر سوخته، دوفصلنامه علمی پژوهشی هنرهای تجسمی نقش‌مایه، سال چهارم، شماره هفتم، ۱۳۹۰.
- ۳- دیاکونوف، ا. م. تاریخ ماد، کشاورز، کریم، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۳.
- ۴- ذاکرین، میترا، بررسی نقش خورشید بر سفالینه‌های ایران، نشریه هنرهای زیبا هنرهای تجسمی، شماره چهل و ششم، تابستان ۱۳۹۰.
- ۵- رضی، هاشم، آئین مهر (میترائیسم)، تهران، انتشارات بهجت، ۱۳۷۱.
- ۶- سجادی، سید منصور، شهرسوخته آزمایشگاهی بزرگ در بیابانی کوچک، زاهدان، انتشارات اداره کل میراث فرهنگی و گردشگری استان سیستان و بلوچستان، ۱۳۸۹.
- ۷- فرح بخش، علی، گردونه مهر در کیش بودایی، نشریه اخبار ادیان، سال ششم، شماره ۱ و ۲، بهار و تابستان ۱۳۸۷.
- ۸- قائم، گیسو، پیام چلیپا بر سفالینه‌های ایران، دو فصلنامه صفا، سال نوزدهم، شماره ۴۹، پائیز و زمستان ۱۳۸۹.
- ۹- گیرشمن، رمان، ایران از آغاز تا اسلام، محمد معین، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۴.
- ۱۰- مقدم، محمد، جستاری درباره مهر و ناهید، تهران، انتشارات هیرمند، ۱۳۸۸.
- ۱۱- واندنبرگ، لوئی، باستانشناسی ایران باستان، عیسی بهنام، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۵.
- ۱۲- هال، جیمز، فرهنگ نگاره‌ای نمادها در هنر شرق و غرب، رقیه بهزادی، تهران، انتشارات فرهنگ معاصر، ۱۳۸۰.
- ۱۳- هرتسفلد، ارنست، ایران در شرق باستان، همایون صنعتی‌زاده، تهران، انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی و دانشگاه شهید باهنر کرمان، ۱۳۸۱.
- ۱۴- یاحقی، محمدجعفر، فرهنگ اساطیر و اشارات داستانی در ادبیات فارسی، تهران، انتشارات سروش، ۱۳۷۵.

◆ سایت‌ها

<http://en.wikipedia.org/wiki/Swastika>
<http://fa.wikipedia.org>
<http://gardoonehmehr.bravehost.com/swastika.htm>
www.Lumq.com